



# زبان و جنسیت در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه

تحلیل زبانی قصه‌های کهن ونو

آلساندرای لوراتو

ترجمه‌ی اعظم داودی

انديمان نيناليني زبيران



انتشارات فرهامه  
مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان

سرشناسه: لووراتو، الساندررا، ۱۹۶۰- م.

Levorato, Alessandra, 1960-

عنوان و نام پدیدآور: زبان و جنسیت در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه: تحلیل زبانی قصه‌های کهن و نوالساندررا لووراتو؛ ترجمه اعظم داودی؛ ویرایش فاطمه (مرجان) گلچین.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۹۸ ص.

شابک: 978-600-828437-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Language and gender in the fairy tale tradition: a linguistic analysis of

old and new story telling, 2003

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتاب‌نامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: تحلیل زبانی قصه‌های کهن و نو.

موضوع: زبان و جنسیت

موضوع: Language and sex

موضوع: گفت‌مان روایی

موضوع: Discourse analysis, Narrative

موضوع: گفت‌مان - جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Discourse analysis -- Social aspects

موضوع: شنل قرمزی (قصه) -- تاریخ و نقد

موضوع: Little Red Riding Hood (Tale) -- History and criticism

موضوع: ایدئولوژی

موضوع: Ideology

شناسه افزوده: داودی، اعظم، ۱۳۴۴-، مترجم

رده‌بندی کنگره: P۱۲۰

رده‌بندی دیویی: 401/41

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۰۵۵۰۹۵

زبان و جنسیت در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه  
تحلیل زبانی قصه‌های کهن و نو

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Levorato, Alessandra (2003) *Language and Gender in the Fairy Tale Tradition: A Linguistic Analysis of Old and New Story Telling*, Hampshire: PALGRAVE MACMILLAN



[www.farhameh.ir](http://www.farhameh.ir)  
[farhameh@gmail.com](mailto:farhameh@gmail.com)

۸۸۴۳۶۲۹ - ۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

زبان و جنسیت در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه  
تحلیل زبانی قصه‌های کهن و نو

© حق چاپ: اول، ۱۳۹۹، فرهامه

نویسنده: آلساندرا لوراتو

مترجم: اعظم داودی

ویراستار: مرجان گلچین

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و بی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

زبان و جنسیت در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه  
تحلیل زبانی قصه‌های کهن و نو

الساندرا لُوراتو  
ترجمه اعظم داودی



با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر پیمان متین  
برای فرصت ارزشمندی که در اختیار بنده نهادند

ترجمه این اثر را تقدیم می کنم به

جاودانه های زندگی ام

تینا، پرینا، الن، سورنا

برای نگاه نافذشان

که کجک های روحم را صیقل دادند

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
۱. مقدمه: بررسی موارد جنسیتی در افسانه‌ها و قصه‌های پریان.....	۱۳
۲. واژه‌ها، جنسیت و قدرت.....	۳۱
۳. بازنمایی کردار اجتماعی.....	۵۵
۴. ایدئولوژی و بندها: نظام گذرایی.....	۹۱
۵. جنسیت و ساختار ایدئولوژی سوژه‌ها.....	۱۶۱
۶. میان‌متنیت، ایدئولوژی و گرایش‌های تغییر.....	۲۰۷
۷. نتایج.....	۲۶۹
پسگفتار.....	۲۷۵
منابع.....	۲۸۱
واژه‌نامه.....	۲۹۱





## پیشگفتار

نگارش این کتاب از این باور من نشئت می‌گیرد که افسانه‌ها و قصه‌های پریان اولین رویداد مهم اجتماعی‌شدن در زندگی کودکان هستند. همه ما به‌گونه‌ای از این داستان‌های خیالی تأثیر گرفته‌ایم و در زندگی خود علت‌ها را با الگوهایی توجیه کرده‌ایم که آن‌ها را با اولین مطالعه ناآگاهانه به دست آورده‌ایم؛ با وجود این، هنگامی که درباره این رویدادهای فراگیر و بانفوذ می‌اندیشیم، تفاوت‌های آشکاری را میان تأکید آن‌ها بر محتوا و مفهوم افسانه‌ها و قصه‌های پریان مانند واژه‌ها درمی‌یابیم. این موضوع نگارنده را به دیگر علاقه‌اش، یعنی «قدرت زبان» سوق داد.

برای صحبت درباره رویدادی مشابه، بیش از یک روش وجود دارد؛ یعنی تمام انتخاب‌های زبانی، به‌صورت بالقوه مهم و درخور توجه هستند. نکته جالب اینکه ساختار نحوی یک متن به‌تنهایی می‌تواند دیدگاه جهانی کاملی را به‌صورت رمز درآورد و آن را نمایش دهد؛ چشم‌اندازی که در آن، زبان باید ثابت کند ابزار حفظ و تغییر است. این تطبیق‌پذیری هنگامی بسیار معنادار می‌شود که مسئله نقش‌های جنسیتی و روابط قدرت در معرض خطر قرار بگیرند. به اعتقاد من، افسانه‌ها و قصه‌های پریان می‌توانند نقشی مهم در چشم‌انداز ایدئولوژی معاصر، در حفظ یا مقابله با یک قرار قطعی اجتماعی ایفا کنند. هدف این کتاب، بررسی درستی این اعتقاد و این مقوله است که تا چه حد

می‌توان افسانه‌ها و قصه‌های پریان را با توجه به تغییر نیازهای اجتماعی بازسازی و اصلاح کرد.

هدف کتاب حاضر، تمرکز بر داستان «شنل قرمزی کوچک»<sup>۱</sup> است؛ زیرا تاریخچهٔ بازنویسی آن نشان می‌دهد تا چه حد روابط قدرت در طول زمان تغییر کرده‌اند. همچنین، این داستان فرصت منحصر به فردی برای مقایسه فراهم می‌کند که امیدوارم خوانندگان از ارتباط نزدیک و متقابلی که هر متن نسبت به واقعیت اجتماعی ارائه می‌دهد، به خوبی آگاه شوند.

آلساندر لوراتو

افسانه‌ها و قصه‌های پریان که از منظر ادبیات باستانی به آن‌ها احترام می‌گذاریم، به‌خودی‌خود نامحدود، فراگیر و بی‌نظیر نیستند. آن‌ها حتی بهترین درمان جهان برای کودکان محسوب نمی‌شوند. این داستان‌ها نسخه‌هایی تاریخی، درونی‌شده، قوی و انفجاری هستند و قدرت آن‌ها را از این منظر تحسین می‌کنیم که زندگی ما با عطف به آن‌ها ادامه می‌یابد.

(زایبز، ۱۹۸۳ الف، ص ۱۱)



## مقدمه: بررسی موارد جنسیتی در افسانه‌ها و قصه‌های پریان

### ۱.۱. مقدمه

بر اساس بازنویسی‌های متعدد، بیش از ۳۰۰ سال است که تصویر دخترکی با شل قرمز تأییری قدرتمند بر فرایند اجتماعی‌شدن بسیاری از کودکان کشورهای گوناگون داشته است. این موضوع هدفی برای انجام پژوهشی گسترده به‌ویژه در آثار فمینیستی شده است؛ اگرچه بیشتر این مطالعات بر تغییر محتوای داستان در طول سال‌ها تمرکز داشته‌اند و کمتر به شیوه کاربرد زبان برای بیان چنین تغییراتی پرداخته‌اند.

بر اساس اعتقادی ضمنی، بیشتر از یک روش برای گفت‌وگو درباره رویدادی مشابه وجود دارد؛ بنابراین انتخاب از بین تمام احتمال‌های موجود، مهم و درخور توجه است. این مطالعه نظریه‌ای انتقادی را توصیف می‌کند که با استفاده از تجزیه و تحلیل تغییرات اجتماعی و کلام، ارتباط متقابل بین تغییر در محتوا، تغییر در زبان و تغییر در بافت گسترده اجتماعی و فرهنگی را با هدف افشای نقش عملکردی ایدئولوژی در شیوه معنایی متون تسریع می‌کند. «زبان» و «جنسیت» که هر دو بخشی از عنوان کتاب را تشکیل می‌دهند، بسیار مهم هستند. در این کتاب، در تحلیل‌ها از زبان‌شناسی برای ارتقای آگاهی درباره شیوه کاربرد تفاوت‌های جنسیتی در زبان متون استفاده می‌کنم؛ بنابراین خواننده نه‌تنها از قدرت نویسنده برای قراردادن او در بین انتخاب‌های زبانی خاص آگاه می‌شود، بلکه متوجه قدرتی می‌شود که از طریق آن باید هویت داده‌شده به او را بپذیرد یا آن را بازسازی کند. رویکردی که در این متن از آن استفاده می‌شود، در بسیاری ابعاد با سایر

شکل‌های تجزیه و تحلیل متن تفاوت دارد: اول اینکه، نخستین بار است که سعی کرده‌ایم روش‌های گوناگون، نظریه‌ها و رویکردهای معاصر که یکدیگر را تکمیل می‌کنند، در یکجا جمع کنیم و دستاورد آن، ابزاری انتقادی است که می‌تواند نقش قدرتمند اجتماعی کردن زبان را شناسایی و توصیف کند؛ دوم اینکه، این رویکرد به جای محتوا، بر ابعاد زبانی متون تمرکز دارد و توجه خواننده را به تحلیل چندلایه‌ای جلب می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حوزه توجه وی از واژه‌های جداگانه به ساختارهای متنی سطح بالاتر و جنبه‌های کلام تغییر می‌کند. درنهایت، این کتاب با توجه به روشی که در افسانه‌ها و قصه‌های پریان، به‌ویژه در تعدادی از نسخه‌های همین داستان به کار می‌رود و همچنین، با توجه به مقایسه بافت زبانی آن‌ها در طول قرن‌ها، می‌تواند پیشرفت گفتمان روابط جنسیتی را در طول زمان بررسی کند.

در مقدمه پیش رو هدف این است که خلاصه‌ای از روش‌های به کاررفته در متون گوناگون ارائه شود، داده‌ها معرفی شوند و درباره نحوه سازمان‌دهی این کتاب توضیح داده شود. نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی که در اینجا گرد آمده‌اند، می‌توانستند تا حد زیادی بهره‌برداری شوند تا تحلیل دقیق‌تری در زمینه‌های مدنظر ارائه دهند، اما این کتاب ادعای جامع بودن نمی‌کند؛ زیرا به دلیل تعداد زیاد متون، تحلیل کامل امکان‌پذیر نبود. هدف این کتاب، نشان دادن غنای دیدگاه‌هایی است که از طریق چنین کاربردهایی آشکار می‌شوند. در این کتاب سعی می‌شود خواننده به روش‌هایی گوناگون سوق داده شود که در آن‌ها ظرفیت بیانی زبان در راستای تثبیت مقدمات سلطه مردان قرار گرفته است و اینکه چگونه نویسندگانی که می‌خواستند با آن مبارزه کنند، آن را ایجاد کردند. امید است این آگاهی بتواند به ایجاد سازوکارهای گفتگویی<sup>۱</sup> جدید و در نتیجه، به جهان اجتماعی جدید کمکی چشم‌گیر کند، همان‌طور که استابز<sup>۲</sup> می‌گوید:

این جامعه نیست که در ابتدا وجود داشته است تا از طریق زبان به‌طور منفعل منعکس شود. زبان، خود سازوکاری اجتماعی است و فعالانه جامعه را می‌سازد و دگرگون می‌کند. [...] شاید در حوزه‌های نسبتاً کم، سازمان‌های انسانی فعالانه زبان را تغییر دهند. این تغییرات روابط اجتماعی را بازسازی می‌کنند (استابز، ۱۹۹۶ الف، ص ۹۰).

## ۲.۱. انگاره‌های تحلیل متن

در این کتاب بر رویکردهایی گوناگون تمرکز می‌شود که در بند اول هر فصل ذکر می‌شوند، اما ابزار اصلی توصیف و تجزیه و تحلیل این کتاب، «دستور زبان نقشی» هلیدی<sup>۱</sup> (۱۹۸۵، ۱۹۹۴) و «چارچوب تحلیل سه‌بعدی» فرکلاف<sup>۲</sup> هستند که در تغییر اجتماعی و گفتمان<sup>۳</sup> (۱۹۹۲ ب) و نظریه «کارگزاران اجتماعی» ون لیوون<sup>۴</sup> (۱۹۹۵، ۱۹۹۶) توسعه یافته‌اند. همچنین، در بررسی‌های خود بسیار از تحلیل کمی استفاده کرده‌ام. شایان ذکر است که یک روش تحلیلی به‌تنهایی نمی‌تواند برای پشتیبانی از دیگر شکل‌های تجزیه و تحلیل مفید باشد، اما چشم‌اندازهایی برای متن فراهم می‌کند که به خود متکی است.

در این بخش، به‌طور خلاصه ارتباط هریک از این رویکردها برای بررسی موارد جنسیتی و ایدئولوژی موجود در متون نوشتاری نشان داده می‌شود.

### مایکل هلیدی<sup>۵</sup>

«دستور زبان نقشی» هلیدی به فهم این دلایل احتمالی کمک می‌کند که چرا نویسندگان از بین تمام گزینه‌های نحوی و واژگانی موجود، انتخاب‌هایی خاص می‌کنند و این امر چه اثری در فرایند ساخت معنا دارد. هلیدی، زبان را «منبعی برای ساخت معنا از طریق انتخاب» می‌داند (هلیدی، ۱۹۸۵) که در آن هر انتخاب زبانی نمی‌تواند جدا از معنایی باشد که انتقال می‌دهد؛ یعنی انتخاب‌های گوناگون معنایی متفاوت ایجاد می‌کنند. از این مطلب استنباط می‌شود که دستور زبان را به‌جای اینکه مجموعه‌ای از قوانین بدانیم که باید رعایت شوند، باید مجموعه‌ای بالقوه از گزینه‌ها دانست. این دیدگاه از «دستور زبان نقشی» ابزاری ارزشمند برای بررسی رابطه بین متن و بافت گسترده اجتماعی و فرهنگی پیرامون آن، شامل دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده ارائه می‌کند. به عقیده هلیدی، «تحلیل کلامی که بر پایه دستور زبان نباشد، به‌هیچ‌وجه

---

1. Halliday's Functional Grammar  
2. Fairclough's Three-Dimensional Framework of Analysis  
3. Discourse And Social Change  
4. Van Leeuwen's Theory of Social Actors  
5. Michael Alexander Kirkwood Halliday (M.A.K. Halliday)



تحلیلی نیست؛ بلکه صرفاً تفسیر جاری در متن است» (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۷). در واقع، او بیان می‌کند هر انتخابی درباره ساختار یک متن، انتخاب درباره نحوه بیان معنا و به عبارتی، انتخاب درباره نحوه ساخت معنای متن است؛ بنابراین شاید مفهوم ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی داشته باشد؛ یعنی ساختار نحوی یک متن، طرز فکر و جهان‌بینی نویسنده را رمزگذاری می‌کند و اینجاست که تحلیل متن را باید شروع کرد.

### نورمن فرکلاف<sup>۱</sup>

نورمن فرکلاف در کتاب خود با عنوان *گفتمان و تغییر اجتماعی*<sup>۲</sup>، چشم‌اندازی را به واسطه دیدگاه هلیدی درباره زبان ارائه می‌کند. همچنین، وی چارچوبی برای تحلیل متن ارائه می‌دهد که هم‌زمان متن‌ها را به سازوکار گفتمانی، متن و کردار اجتماعی و نیز دیدگاهی جامع نزدیک می‌کند که «ترکیب روابط اجتماعی و ویژگی‌های متنی برای اجرای تحلیل گفتمان و درک و دستیابی به تغییر» را ممکن می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲ب، ص ۱۰۰).

به عبارت دیگر، با توجه به عقاید زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی معاصر، فرکلاف روش تحلیل زبانی‌ای را شرح می‌دهد که روشی قدرتمند برای مطالعه تغییرات اجتماعی است. در این کتاب نظریه وی را بسط می‌دهم و آن را برای متون ادبی خاص، یعنی افسانه‌ها و قصه‌های پریان به کار می‌گیرم. هدف، توصیف ارتباط بین تغییرات زبانی در این متون و تغییرات گسترده در جامعه با توجه به مسائل جنسیتی و مسیر این تغییرات احتمالی است که به آن اشاره دارند. این موارد در راستای حفظ یا مقابله با نقش‌هایی است که به‌طور سنتی به مردان و زنان اختصاص داده شدند.

چارچوب نظری فرکلاف برای اهدافم در سایر زمینه‌ها نیز مناسب است: اول اینکه، با توجه به مسئله موقعیت‌مداری خواننده که فرکلاف او را از لحاظ موقعیت، «موضع دیالکتیکی»<sup>۳</sup> می‌نامد، براساس آن، سوژه «اثر ایدئولوژیک»<sup>۴</sup> و «عامل فعال»<sup>۵</sup> است؛ به عبارت دیگر، ارتباطات خود را برقرار می‌کند و «بازسازی پرکنیس‌ها و ساختارهای

1. Norman Fairclough

2. Discourse and Social Change

3. Dialectical Position

4. Ideological Effect

5. Active Agent

موقعیت‌مداری» را ممکن می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲، ص ۹۱)؛ دوم اینکه، براساس دیدگاه دیالکتیکی، او با استفاده از ارتباط بین کلام و ساختار اجتماعی، از خطر کاهش کلام به بازتابی صرفاً اجتماعی و تمجید ویژگی‌های ساختاری و تبدیلی جلوگیری می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲، ص ۶۵).

### تئوون لیوون<sup>۱</sup>

ون لیوون براساس دو دیدگاهی که هلیدی پیشنهاد کرده بود، اما به‌طور کامل آن‌ها را توسعه نداد، دیدگاهی را مطرح می‌کند. هلیدی معتقد بود ارتباطی یک‌به‌یک بین اثر یک متن بر خواننده و ویژگی‌های زبانی خاص آن که ممکن است رخ دهند، وجود ندارد. همچنین، هلیدی فرض می‌کند «معنا بیشتر از زبان به فرهنگ تعلق دارد» (ون لیوون، ۱۹۹۶، ص ۳۳). ون لیوون مجموعه‌ای از مقوله‌های جامعه‌شناختی را با هدف بررسی شیوه‌هایی تنظیم کرده است که کارگزاران اجتماعی و کنش‌های اجتماعی در گفتمان بازنمایی می‌شوند. به‌دلیل نبود ارتباط متناظر بین مقوله‌های جامعه‌شناختی و زبانی، موارد مرتبط را می‌توان با نزدیک کردن به مقوله‌های زبانی نادیده گرفت؛ از این‌رو، روش او هنوز بر زبان‌شناسی مبتنی است، اما تمرکز عمده‌ی وی بر مقوله‌های جامعه‌شناختی است؛ به این ترتیب، او نظام‌های زبانی مجزا را در کنار هم قرار داد و توانست آن‌ها را برای آنچه در کلام اتفاق می‌افتد، کاملاً بیان کند.

### تحلیل کمی

هنگام کار روی چندین متن طولانی مانند داستان‌های کامل، استفاده از روش‌های مبتنی بر کامپیوتر ضروری است؛ زیرا، الگوهای دستور زبان و واژگان به‌آسانی در آن‌ها مشاهده نمی‌شوند. تحلیل کمی متن می‌تواند رویکردهای دیگر را از ابعاد گوناگون تکمیل کند و همان‌طور که مشارکت‌های متعدد استابز نشان می‌دهد، در تحلیل زبان نیز نقشی مستقل داشته باشد (به‌ویژه استابز، ۱۹۹۶ الف).

تحلیل کمی به‌عنوان ابزاری تکمیلی می‌تواند به درک مستقیم یک متن، ارائه شواهدی فراوان درباره‌ی الگوهای خاص و نشان‌دادن نظم از طریق موضوع‌ها کمک کند.

همچنین، تحلیل کمی می‌تواند تا حدی مشخص به تحلیل عینیت بخشد؛ یعنی با شناسایی هر نمونه در متن مورد مطالعه، مانع تحلیلی‌گر برای حذف مواردی می‌شود که مخالف تعصب و پیش‌شرط‌های او هستند.

با توجه به نقشی مستقل که تحلیل کمی دارد، ممکن است در معرض ایدئولوژی یک متن قرار بگیرد. لازم است ذکر شود که تبعیض جنسی را می‌توان در سطوح متفاوت یک متن تشخیص داد: الف) در واحدهای واژگانی مجرد، ب) در با همایی‌هایی (ترکیب‌های هم‌آیند)<sup>۱</sup> که حاوی یک مورد خاص هستند و ممکن است به‌طور ذاتی جنسیتی نباشند، اما احتمال دارد به شیوه‌های جنسی به کار روند، پ) در نحو متن که می‌توان جنبه‌های خاص معنا را نیز رمزگذاری کرد. با تأکید بالقوه بر الگوهای مهم تحلیل کمی می‌توان به نمایش تمام آن‌ها کمک کرد.

برای نمونه، در سطح واژگان، تحلیل توزیع فراوانی می‌تواند به این ایدئولوژی منجر شود که به‌صورت ضمنی در متن رمزگذاری شده است (برای نمونه، تأکید بر «کوچکی»<sup>۲</sup> دختر در نسخه‌های خاص داستان). به‌طور مشابه، معنای متداعی مکرر نیز می‌تواند درک فردی از جهان اجتماعی، مثلاً «دختر کوچک» یا «مادر بزرگ مهربان» را منتقل کند. در هر دو مورد، این اثر باید یک دیدگاه جنسیتی جهانی را بدون نشان دادن انجام آن مشروع کند و با تفسیری ضمنی به خواننده بقبولاند که به‌صورت صریح پذیرفته شده است؛ بنابراین برای خواننده ناآگاه خطرناک‌تر از اظهارهای آشکار است که می‌تواند به‌آسانی شناسایی شود و درباره آن بحث شود. در این راستا، تحلیل کمی می‌تواند بیشتر ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای خاص یا بخشی از آن را نشان دهد؛ از این‌رو، ابزاری ارزشمند برای مطالعه مکانیسم انتقال چنین ارزش‌هایی محسوب می‌شود.

### ۱.۳. داده‌ها

از میان نسخه‌های موجود از ۳۰۰ سال پیش، فرایند انتخاب با قصه‌های شفاهی عامیانه فرانسوی قرون وسطی آغاز شد که احتمال می‌رفت این سنت را ایجاد کرده باشند. گستره این قصه‌ها از قصه‌های سنتی کودکان تا اقتباس‌های معاصر، پیچیده و

آزاد نویسندگان فمینیست (طرفداران حقوق زنان) از جمله متون به زبان اصلی و متون ترجمه‌شده است. آگاه هستیم که چنین پیکره‌ای ممکن است بیش‌ازحد ناهمگون باشد، اما این پیکره دارای انسجام اصولی است؛ چنان‌چه تمام این متون در فرایند اجتماعی کردن کودکان، اهمیت میان‌فرهنگی ترجمه‌ها و در راستای موضوع مورد مطالعه من، یعنی اثر اجتماعی کردن این داستان‌ها بر خواننده نسل معاصر سهیم هستند. از آنجا که هدف این کتاب گسترش گفتمان جنسیتی در طول قرن‌هاست، نسخه‌های مدنظر به دوره‌های گوناگون تاریخی تعلق دارند؛ به همین دلیل، صرف‌نظر از استثنائات، آن‌ها جامعه فرهنگی مشابهی دارند. این موضوع باعث می‌شود به‌آسانی و با ظرافتی خاص به تغییرات در جامعه پردازیم. این نسخه‌ها شامل داستان‌هایی می‌شوند که از یک‌سو، نماینده اصول تربیتی پدرسالارانه نامحدود محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، شامل نپذیرفتن کامل آن‌ها می‌شوند. این نسخه‌ها عبارت‌اند از:

- نسخه شفاهی: «داستان مادربرزرگ» (قرن‌های پانزدهم و شانزدهم، فرانسوی)؛
- شارل پرو: «شنل قرمزی کوچک» (۱۶۹۷، فرانسوی)؛
- برادران گریم: «کلاه قرمزی کوچک» (۱۸۱۲، آلمانی)؛
- سایین بارینگ گولد: «شنل قرمزی کوچک» (۱۸۹۵، بریتانیایی)؛
- جیمز توریر: «دختر کوچک و گرگ» (۱۹۳۹، آمریکایی)؛
- کاترین استور: «شنل پالی کوچک» (۱۹۵۵، بریتانیایی)؛
- مجموعه افسانه‌ها و قصه‌های پریان مرسی‌ساید: «شنل قرمزی» (۱۹۷۲، بریتانیایی)؛
- اتو اف. گملین: «کلاه قرمزی کوچک» (۱۹۷۸، آلمانی)؛
- آنجلا کارتر: «گرگینه» (۱۹۷۹، بریتانیایی)؛
- آنجلا کارتر: «گلّه گرگ‌ها» (۱۹۷۹، بریتانیایی)؛
- چیانگ مای: «زرگل و خرس» (۱۹۷۹، چینی)؛
- دال: «شنل قرمزی کوچک و گرگ» (۱۹۸۲، بریتانیایی).

به عبارت دیگر، اگر پرو، برادران گریم و بارینگ گولد نمونه‌هایی را از اصرار غرب

بر حفظ کلیشه‌های محافظه‌کارانه زنان ارائه می‌دهند، توربر، استور، مجموعه افسانه‌ها و قصه‌های پریان مرسی‌ساید، گملین و کارتر بیانگر گرایشی روبه‌رشد برای مقابله با سنتی هستند که از طریق تصویر یک دختر کوچک متکی‌به‌خود، خواننده را به بازنگری دیدگاه خود درباره جنسیت و قدرت وادار می‌کند. در تمام این حکایت‌ها، دختر موفق می‌شود خود را نجات دهد (مگر اینکه چیزی برای نجات از آن وجود نداشته باشد) و هیچ قهرمان مردی وجود ندارد که دختر به قدردانی از وی مجبور باشد. همچنین، لزومی به اطاعت و حرف‌شنوی نیست و نقش پدر و مادرش کاملاً متفاوت است؛ زیرا پیروی سختگیرانه که در سنت ادبی ضروری است و پیوندهایی آشکار در تصور واکنشی زندگی دارند، در این بازنویسی‌ها اصلاً ارزش ندارند. بسیاری از این حکایت‌ها که برخلاف نسخه‌های سنتی، بیشتر خوانندگان بالغ‌تر را مخاطب قرار می‌دهند، بر این ضرورت اصرار دارند که زنان احساسات خود را بپذیرند (در نسخه‌های سنتی، به‌شدت مجازات می‌شدند) و در جست‌وجوی ارتباط با جهان ناشناخته‌ای باشند که گرگ نشان می‌دهد.

نسخه شفاهی که برای بررسی انتخاب کردم، در کتاب *گرفتاری‌ها و مصائب شئل قرمزی کوچک*<sup>۱</sup> اثر جک زاپیز منتشر شده است که به لطف پژوهش پائول دلارو<sup>۲</sup>، در سال ۱۸۸۵ در نیور<sup>۳</sup> ثبت شد (زایپز، ۱۹۸۳، ص ۵).

در این کتاب تلاش خواهم کرد ویژگی‌های مهم هریک از حکایت‌ها را توضیح دهم. برای گزارش کامل درباره بافت‌های اجتماعی و فرهنگی حکایت‌ها، خواننده را به مطالعه کتاب اصلی زاپیز ارجاع می‌دهم (زایپز، ۱۹۸۳). که پس از این، از کلمه «زایپز» استفاده می‌شود؛ زیرا بیشتر اطلاعات از آن مستخرج شده‌اند؛ البته شماره صفحه نقل قول‌ها ذکر شده‌اند که در غیر این صورت، متعاقباً اعلام شده است.

### سنت شفاهی مستقل

در اواخر قرون وسطی (سده‌های پانزدهم تا شانزدهم) عناصر اصلی این حکایت در فرانسه، تیروول و شمال ایتالیا به شیوه سنت شفاهی توسعه یافتند و حکایت‌هایی را به

1. Trials and Tribulations of Little Red Riding Hood

2. Paul Delarue

3. Nièvre

وجود آوردند که برای گروه سنی کودک مناسب بودند. این داستان به شرایط زندگی واقعی دهقانان و روستاییان در حومه شهرها می‌پردازد؛ زیرا در آنجا اغلب گرگ‌ها به بچه‌های کوچک یا بزرگسالان حمله می‌کردند یا آن‌ها کشته می‌شدند که همین موضوع موجب شده است آن‌ها به اعتقادات خرافی خود درباره وجود گرگینه‌ها و جادوگران دامن بزنند. نقش اجتماعی این داستان، نشان دادن خطر هم‌صحبتی با غریبه‌ها بود. هیچ نشانی از ارتباط گرگینه با شیطان وجود ندارد (به هر حال، این داستان از عقاید خرافی مشرکان و کافران نشئت می‌گیرد) و جنگل‌ها نیز معنا و مفهومی خاص ندارند. این داستان پایان خوشی دارد که خود دختر آن را به ارمغان می‌آورد. دخترک وانمود می‌کند فوراً به دستشویی برود و به این ترتیب، موفق می‌شود فرار کند. او شجاع و خودکفاست؛ بنابراین در داستان به حضور شخصیت مرد محافظ نیاز نیست. دختر نامی خاص ندارد و لباسی با طرح یا رنگ خاص نیز نپوشیده است که بتوان او را با آن‌ها شناسایی کرد. او می‌تواند نشان‌دهنده هر دختر کوچکی باشد که قصد دیدار مادر بزرگش را دارد. این نسخه حاوی عناصری است که در بیشتر بازنویسی‌ها حذف شده‌اند؛ از قبیل آدم‌خواری دختر (او ندانسته گوشت و خون مادر بزرگش را می‌خورد) و رقص همراه با برهنگی تدریجی در مقابل گرگی که در بستر مادر بزرگ او دراز کشیده است و از او می‌خواهد یک‌به‌یک لباس‌های خود را درون آتش بیندازد و برهنه شود.

### شارل پرو<sup>۱</sup> (۱۶۹۷)

نویسندگان در قرن‌های هفدهم و هجدهم به آموزش‌های اخلاقی کودکان توجه کردند. پرو، با هدف بهبود رفتار و تربیت کودکان در جامعه توجه خود را بر قصه‌های عامیانه متمرکز کرد. در واقع، آنچه او انجام داد، مشخص‌کننده مفهوم نقش جنسیتی است که در آن، مرد همواره سلطه دارد. دخترک او کاملاً ناامید است. دخترک برای گوش دادن به صدای گرگ در جنگل می‌ایستد و از همه بدتر این است که با گرگ عهد و پیمان می‌بندد. گرگ می‌خواهد او را در همان مکان بخورد و تنها دلیلی که موجب می‌شود او این کار را نکند، ترس از حضور هیزم‌شکنان (مرد) در خانه مادر بزرگ،

دختر قبل از اینکه در کنار گرگ دراز بکشد (ناخوانده) خودش برهنه می‌شود (در یکی از نسخه‌های بسیار انگشت‌شمار این اتفاق می‌افتد). نکته جالب این است که در بین چیزهایی که دختر درباره مادر بزرگ خود متوجه می‌شود تا بفهمد چه کسی در رختخواب او خوابیده است، این خواننده است که متوجه پاها می‌شود (داستان شفاهی فقط قسمت‌هایی از بدن از شانه به بالا را ذکر می‌کند؛ به عبارت دیگر، آنچه دختر می‌توانست به راحتی ببیند). در اینجا اشاره زشت تعمدی وجود دارد؛ زیرا دختر برای دیدن سایر اندام‌ها باید به پایین نگاه کند. این معنای دوگانه نشان می‌دهد که چگونه پرو در ذهن، پنهانی گوش دادن بزرگ‌ترها به داستانش را تجسم کرده است.

در این نسخه هیچ رستگاری‌ای وجود ندارد؛ زیرا دختر نمی‌تواند از دست گرگ فرار کند و هیچ‌کس به کمک او نمی‌آید. گرگ کشته نمی‌شود؛ بنابراین او می‌تواند به خوردن دخترهای کوچک ساده‌لوح ادامه دهد. پرو، نکته‌ای اخلاقی به نسخه بازنویسی خود می‌افزاید که تفسیر خود او از این داستان را نشان می‌دهد: احساسات جنسی برای دخترها گناه هستند (مردان جوان خوش‌مشراب به صراحت در تصویر گرگ نهادینه شدند) و دختر به دلیل آنچه اتفاق می‌افتد، باید سرزنش شود. اگر او برای گوش دادن به حرف‌های یک غریبه نمی‌ایستاد و خود را در جنگل سرگرم نمی‌کرد، هیچ اتفاقی روی نمی‌داد و او نمی‌مرد.

### برادران گریم<sup>۱</sup> (۱۸۱۲)

نسخه برادران گریم نیز در سنت ادبی بورژوازی قرار دارد. داستان آن‌ها اقتباسی از نسخه پرو است. برای مقابله با ارزش‌های در حال ظهور بیدر مایر<sup>۲</sup>، آن‌ها به‌طور درخور توجهی وقایع بد را از داستان حذف کردند.

دخترک، زیبا و حتی ساده‌لوح‌تر می‌شود و ارتباط بین مجازات و نافرمانی او از نصیحت مادرش که در اینجا نقشی مهم‌تر ایفا می‌کند، صریح می‌شود. مادرش به او می‌گوید: از مسیر راست منحرف نشو و وقتت را تلف نکن! (ایده‌ای که آن‌ها با آن معرفی شدند) و دخترک نیز به مادرش قول می‌دهد. با شکستن این قول و

1 Brothers Grimm

2 Biedermeier

مقاومت‌نکردن در برابر وسوسه‌گرگ برای لذت‌بردن از طبیعت، او به میل درونی و خواسته قلبی‌اش توجه می‌کند و به این ترتیب، به محدودیت‌های اخلاقی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، کاملاً بی‌توجه می‌شود.

برخلاف پرو، برادران گریم برهنگی بی‌اختیار دختر و خوابیدنش با گرگ را نادیده می‌گیرند؛ به این صورت که او فقط به‌سوی بستر مادر بزرگ می‌رود و در آنجا متوجه گوش‌ها، چشم‌ها، دست‌ها و دهان بزرگ و وحشتناک گرگ می‌شود. هیچ اشاره‌ای به بازوها و پاهای گرگ نشده است. زاپیز معتقد است احتمالاً نویسندگان این قسمت‌های بدن انسان را بسیار عادی و محرم می‌دانند. در این داستان اهمیتی ندارد که دختر چقدر مسئول سرنوشت خودش است؛ زیرا برادران گریم تصمیم می‌گیرند او را از طریق یک شخصیت مرد نجات دهند. همچنین، آن‌ها برای اینکه نشان دهند دختر درس خود را به‌خوبی آموخته است، فرصتی دیگر برایش فراهم می‌کنند. جالب است این بار مادر بزرگ باهوشش او را نجات می‌دهد. واقعیت این است که این نسخه از پایان دوم خود که هنوز نیز بین مردم بسیار محبوب است، محروم می‌شود (بیشتر از پایان حکایت پرو)؛ به عبارتی، پیامی ایدئولوژیک که این داستان منتقل می‌کند، از نظر جامعه‌ما، همچنان نسبت به نقش‌های جنسیتی و رفتارهای کودکانه جذبه دارد.

### سابین بارینگ گولد<sup>۱</sup> (۱۸۹۵)

بارینگ گولد، نویسنده فقید ویکتوریایی، نزدیک به برادران گریم گام برداشت. در حکایت او حتی تأکید بیشتری بر نافرمانی دختر شده است؛ یعنی دو نصیحت مادر به دختر در حکایت برادران گریم («در راه درنگ نکن!» و «از راه راست منحرف نشو!») به شش نصیحت («در راه نایست یا نمان!»، «در راه وقت تلف نکن!»، «یک‌راست به خانه مادر بزرگت برو!»، «یک‌راست به خانه بیا!» و «در راه با کسی صحبت نکن!») تبدیل می‌شوند که بر اینکه او خود را ادب کند، تأکید دارند. درواقع، هیچ دلیل آشکاری جز نافرمانی وجود ندارد که دختر بزرگراه را رها کند و راه جنگل را در پیش بگیرد و در آنجا با گرگ روبه‌رو شود. در اینجا، صرف‌نظر از عمل خوب یا مفید (دخترک حکایت برادران گریم برای مادر بزرگ خود گل جمع کرد) او فقط وقت خود را در راه تلف کرد که در نظر هر «معلم» خیرخواه ویکتوریایی،



اشتباهی بسیار مهم است. خود دختر به‌تنهایی مستحق سرزنش شدن به‌دلیل سرنوشت خودش است، اما سرانجام یک شخصیت مرد، پدرش، دختر را نجات می‌دهد که گرگ را پیش از آنکه بتواند دختر را بخورد، می‌کشد (عملی که باید خیلی عادی در نظر گرفته شود) و همچنین، داستان را با نکته اخلاقی پایان دهد.

### نخستین نقض در سنت: جیمز توربر<sup>۱</sup> (۱۹۳۹) و کاترین استور<sup>۲</sup> (۱۹۵۵)

بی‌اعتنایی به الگوی فرهنگی سنتی پس از جنگ جهانی اول، با اقتباس دوباره فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها از این حکایت آغاز شد که نسخه بسیار کوتاه توربر این گرایش جدید را به‌خوبی نشان می‌دهد. دخترک او نوع جدیدی از یک زن خودکفاست و داستان به رویارویی مستقیم دخترک و گرگ اشاره دارد. شخصی دیگر درگیر داستان نمی‌شود. خواننده متوجه نمی‌شود چه اتفاقی برای مادربزرگ دخترک افتاده است؛ سرنوشت او نادیده گرفته می‌شود. دخترک ذره‌ای از گرگ نمی‌ترسد و خیلی احمق نیست که گرفتار گرگ شود. او با تفنگی که در سبد خود حمل می‌کند، به گرگ شلیک می‌کند. مادری وجود ندارد که او را نصیحت کند و به نظر می‌رسد دخترک کاملاً قادر به دفاع از خودش است. این نکته اخلاقی صریح در پایان داستان درخور توجه است که به نظر می‌رسد خطاب به پرو می‌گوید: «*مروزه، دخترهای کوچک مانند سابق به راحتی فریب نمی‌خورند*» (توربر، در مجموعه داستان زاپیز، ص ۲۱۰). با توجه به این مورد، بیشتر حکایت‌های ساختگی بر پایه این داستان، با طنزی زیرکانه بیان می‌کنند که مخاطب این حکایت فقط بچه‌ها نیستند.

همان‌طور که زاپیز در مطالعه خود نشان می‌دهد (ص ۳۸) به‌طور قطع، ظهور جنبش‌های حقوق مدنی از چنین تجربه‌هایی حمایت سیاسی کردند و مشوق آن‌ها بودند؛ به این ترتیب، تعداد زیادی از حکایت‌های جایگزین را در حوالی سال‌های ۱۹۶۰ توضیح می‌دهد. حکایت «*شنل پالی کوچک*»<sup>۳</sup> اثر کاترین استور (۱۹۵۵) دختری معقول، بی‌باک و اهل عمل را نشان می‌دهد که برای مقابله با گرگ، در دوره خودش به اندازه کافی عاقل است. نام واقعی او «پالی کوچک» نیست. گرگ او را با این نام

1. James Thurber

2. Catherine Storr

3. Little Polly Riding Hood

صدا می‌زند. گرگی احمق که روایت پرو از این داستان را خوانده است و می‌خواهد آن را بار دیگر اجرا کند و برنامه‌هایش را برای پالی و والدین او فاش کند. از سوی دیگر، دختر، روایت برادران گریم از این داستان را خوانده است که گرگ «چیزی به دست نمی‌آورد». در هر صورت، او هیچ ترسی از گرگ ندارد. در این داستان هیچ نکته اخلاقی جز آنچه دخترک در پایان به گرگ می‌گوید، وجود ندارد. پس از آنکه گرگ بار دیگر به گرفتن او موفق نمی‌شود، به این نکته اخلاقی می‌رسیم: «این افسانه و قصه پریان نیست و من هم شئل قرمزی نیستم. ای گرگ! من پالی هستم و همیشه می‌توانم از دست تو فرار کنم» (استور، در مجموعه داستان زاپیز، ص ۲۲۱). این داستان علاوه بر داشتن طنز زیرکانه، ادعاهای سیاست‌منشانه‌ای دارد که نشان می‌دهد این داستان برای هر دو قشر کودک و بزرگسال نوشته شده است.

### سی سال گذشته

آنچه موجب جلب توجه «مجموعه افسانه‌ها و قصه‌های پریان» مرسی‌ساید<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) می‌شود، مقوله خواهی است. دختر که ابتدا بسیار خجالتی و ترسو است (او از چیزهای زیادی می‌ترسد؛ به‌خصوص از جنگل هراس دارد) یاد می‌گیرد با ترس و وحشت خود مقابله کند. دخترک شئل قرمز خود را می‌پوشد. او فقط می‌خواهد آن را به تن کند و به‌هیچ‌وجه قصد ندارد به شخصی دیگر تبدیل شود. در واقع، به این دلیل آن را می‌پوشد که وقتی بچه بود، این شئل به خانم‌بزرگش (جد مادری‌اش)<sup>۲</sup> تعلق داشت. دختر و خانم‌بزرگ گرگ را با یکدیگر و بدون کمک دیگران می‌کشند و درنهایت، این شئل نماد شجاعت می‌شود و خانم‌بزرگ از دختر می‌خواهد که آن شئل را به دیگر بچه‌های خجالتی نیز بدهد. زبان پیچیده و جدی طرح اصلی این روایت نشان می‌دهد که داستان به‌گونه‌ای برای خوانندگان بزرگ‌تر طراحی شده است.

به نظر می‌رسد قدمت حکایت گملین به داستان برادران گریم نزدیک است و به سال ۱۹۷۸ برمی‌گردد و با گرایش‌های افراطی نسبت به سیاست‌های جنسی مطابقت دارد. قهرمان او دختری بی‌باک است که به‌قدر کافی عاقل است؛ زیرا، وقتی مادرش از او

1. Merseyside

2. Great-Grandmother

می‌خواهد به دیدن مادر بزرگش برود، چاقوی برادرش را برمی‌دارد. هنگامی که گرگ را ملاقات می‌کند، اصلاً نمی‌ترسد و تسلیم نمی‌شود. او در خانهٔ مادر بزرگ به دام گرگ نمی‌افتد. اگرچه گرگ او را می‌خورد، او برای خروج خود شکم گرگ را می‌شکافد و بدون هیچ کمکی خود و مادر بزرگش را نجات می‌دهد. زبان داستان نشان می‌دهد این حکایت احتمالاً برای خوانندگان نوجوان مناسب است، اما به نظر می‌رسد موضع سیاسی که نشان‌دهندهٔ تغییرات موجود در نسخهٔ گریم است، خوانندگان بالغ را نیز خطاب قرار می‌دهد.

در داستان «گلۀ گرگ‌ها» (۱۹۷۹) که یکی از افراطی‌ترین و پیچیده‌ترین اقتباس‌هاست، آنجلا کارتر عناصر داستانی خود را از سنت عامیانهٔ دختر دهقان و گرگینه قرض می‌گیرد. در این داستان، او بر الزام کردن زن‌ها به شناخت جنبهٔ گرگ‌صفتی و شهوت‌پرستی زنانهٔ خودشان تأکید می‌کند. وی بیان می‌کند زن‌ها به‌جای ترس از ارتباط با طبیعت و جهان ناشناخته، باید مغرور باشند و به خود افتخار کنند.

باقی متنی که داستان در آن قرار دارد، جهانی سرشار از جادوگران و گرگینه‌ها را نشان می‌دهد. شخصیت اصلی کودکی باهوش و مصمم است که از جنگل نمی‌ترسد. او می‌تواند به‌خوبی از خود مراقبت کند و هنگامی که برای نخستین بار یک «مرد جوان جذاب» در مقابلش ظاهر می‌شود، او حتی گرگ را رام و مطیع خود می‌کند. عهد و پیمانی که آن‌ها می‌بندند، با آن‌هایی که تاکنون مشاهده کرده‌ایم، فرق دارند؛ زیرا در این داستان مرد جوان از دختر می‌خواهد اگر قبل از او به خانهٔ مادر بزرگ رسید او را ببوسد و دختر نیز قول می‌دهد، اما از آنجا که دخترک می‌خواهد زیر قول خود بزند، به‌عمد در جنگل درنگ می‌کند.

مادر بزرگ پرهیزگار او در اثر این تجاوز می‌میرد؛ درحالی‌که دختر در پی کشف تمایلات جنسی خود است که بر تلاش‌های درونی‌اش چیره شدند. در واقع، «از آنجا که ترس او نفعی برایش نداشت، او ترس خود را کنار گذاشت» (کارتر، ۱۹۷۹، ص ۱۱۷). این روایت نشان می‌دهد تا زمان نگارش این داستان در سال ۱۹۷۹، نگرش‌ها نسبت به زنان و تمایلات جنسی در جامعهٔ غرب تا چه میزان تغییر کرده است.

«گرگینه»<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) اقتباسی دیگر از داستان شئل‌قرمزی آنجلا کارتر است که آن

نیز در جهان جادوگران و گرگینه‌ها قرار دارد. در این داستان، این مادر دختر است که قبل از اینکه دختر عازم سفر شود، یک چاقو به او می‌دهد و توصیه‌ی او مبنی بر اینکه دختر نباید از راه راست منحرف شود، به قول گرفتن از دختر که از گفته‌ی مادرش اطاعت کند، نیاز ندارد. دختر، قوی و بی‌باک است. نکته‌ی جالب این داستان یکی‌انگاری مادر بزرگ با گرگی است که به او حمله می‌کند و او را در جنگل زخمی می‌کند. سرانجام، همسایه‌های پیرزن که مشهور به جادوگر است، او را سنگسار می‌کنند و دخترک جایش را می‌گیرد و در خانه‌ی او رستگار می‌شود. در این مورد، این حکایت شباهتی جالب با نسخه‌ی شفاهی دارد. در این باره زاپیز می‌گوید:

دختر جوان به‌طور نمادین با خوردن گوشت و خون مادر بزرگش جایگزین او می‌شود. این نوعی ابراز وجود از طریق یادگیری و نزاع است. برخلاف نسخه‌های ادبی که مادر بزرگ را به جسمی جنسی تبدیل می‌کنند و آن را تنزل می‌دهند، در داستان عامیانه، مرگ وی بر تداوم و احیای سنتی دلالت دارد که برای حفظ جامعه مهم است (زاپیز، ص ۷).

همان‌طور که زبان بسیار پیچیده و جزئیات آشفته‌ی حکایت «گل‌گله‌گرگ‌ها» نشان می‌دهد، این داستان برای مخاطب بزرگسال طراحی شده است.

نسخه‌ی چینی این داستان در سال ۱۹۷۹ با عنوان «زرگل و خرس»<sup>۱</sup> منتشر شد. از بسیاری ابعاد، این داستان نسخه‌ی شفاهی فرانسوی را تداعی می‌کند. مادر، دختر و پسرش را در خانه تنها گذاشته است؛ درحالی که خود به ملاقات خاله‌ی بیمار بچه‌ها رفته است. مادر بزرگ قرار است پیش بچه‌ها بماند، اما او که در پشت تپه زندگی می‌کند، به تماس آن‌ها پاسخ نمی‌دهد. خرس «که می‌خواهد بچه‌ها را بخورد» (چیانگ مای، در مجموعه داستان زاپیز، ص ۲۸۲) از راه می‌رسد و وانمود می‌کند مادر بزرگ است و تلاش می‌کند وارد خانه شود. زرگل که فوراً متوجه می‌شود او کیست، با بهانه‌ای (شبیه به آنچه شخصیت اصلی داستان شفاهی طراحی کرده است) خرس را فراری می‌دهد و موفق می‌شود خرس را بکشد. هنگامی که مادر برمی‌گردد، دخترش را تحسین می‌کند. مادر از شجاعت و توانایی دختر برای دفاع از خود و برادرش قدردانی می‌کند.

داستان «شنل قرمزی کوچک و گرگ» (۱۹۸۲) اثر رولد دال<sup>۱</sup>، شعری طنز است که تصویری کاملاً متفاوت از زنان متصور در متون دیگر ارائه می‌دهد. دختر، شجاع و بی‌باک است و به گرگ تیراندازی می‌کند، اما شیوه‌ای که دو شخصیت زن در داستان با آن توصیف شدند، همچنان دیدگاه جنسیتی را نشان می‌دهد: مادر بزرگ بیچاره که طعمه گرگ می‌شود و دخترک مغرور که سریع تپانچه را از زیر شلوارکش بیرون می‌کشد و گرگ را می‌کشد تا یک شنل از پوست و خز گرگ به تن کند. ارزش‌های موجود در پس این حکایت (با تصویر دوشیزه شنل قرمزی به پایان می‌رسد که با خز خود پز می‌دهد) گرایش آشکار در بازنویسی‌های سنتی را تکذیب نمی‌کنند. این شعر برای کودکان نوشته شده است، اما طنز موجود در آن، داستان را برای بزرگسالان نیز محبوب کرده است.

#### ۴.۱. ساختار کتاب

در فصل اول به معرفی موضوع کتاب، توضیح درباره روش تحلیل متون و معیارهایی پرداخته می‌شود که برای انتخاب داستان‌ها به کار رفته‌اند. هریک از این معیارها به‌طور خلاصه شرح داده شدند و در بافت اجتماعی و تاریخی خود قرار گرفتند. در فصل دوم، «واژه‌ها، جنسیت و قدرت»، این بررسی بر مبنای روش توصیفی ارائه می‌شود؛ به صورتی که از تحلیل کمی برای یافتن داده‌های مقایسه‌ای در ۱۲ متن استفاده شد و الگوهای تکراری حذف شدند و سپس، الگوهای به‌طور بالقوه مهم مشخص شدند. هدف این فصل، نشان دادن نحوه انتقال دیدگاه‌های ایدئولوژی نه‌تنها با واژه‌های مجزا، بلکه به‌ویژه در الگوهای دستور زبان و واژگان است. براساس رویکرد استاز به تحلیل کمی که در کتاب متن و تحلیل بیکره<sup>۲</sup> (۱۹۹۶ الف) ارائه داده است، تجزیه و تحلیل با شناسایی واژگان پربسامد شروع می‌شود و به شناسایی ترکیب‌های هم‌آیند موجود در این واژه‌ها می‌رسد. ترتیبی که این مقوله‌ها در متون به کار می‌روند، چنان‌چه در ترکیب‌های هم‌آیندشان پدیدار شوند، با معانی آن‌ها مقایسه می‌شوند و در نتیجه، پذیرفته می‌شوند و در زبان انگلیسی ثبت می‌شوند.

1. Roald Dahl

2. Text and Corpus Analysis

در فصل سوم، «بازنمایی پرتکس اجتماعی»، به ظرفیت زبان برای نمایش شخصیت‌های داستان پرداخته می‌شود؛ اینکه چه انتخاب‌هایی شده‌اند و اثرهای بازنمایی حاصل از این انتخاب‌ها چه بودند. این پژوهش نه تنها توصیفی است، بلکه نشان‌دهنده طیفی وسیع از انتخاب‌هایی است که زبان به نویسندگان ارائه می‌دهد تا درباره اشخاص درگیر در یک نوع گفتمان خاص گفت‌وگو کنند. هدف این است که به جای اهمیت ایدئولوژیک برخی از اثرهای بازنمایی خاص، نشان دهیم چگونه از طریق آن‌ها سلطه جنس مذکر حفظ یا سرنگون شده است.

در فصل چهارم، «ایدئولوژی و بندها: نظام گذرایی»، برخی از این دیدگاه‌ها با استفاده از رویکرد نقش‌گرایی هلیدی نسبت به زبان داستان‌ها توسعه داده می‌شوند. دیدگاه هلیدی درباره زبان به‌عنوان شبکه‌ای از انتخاب‌ها و در نتیجه، دستور زبان به‌عنوان مجموعه‌ای از گزینه‌ها، به ایجاد دیدگاه گذرایی به‌عنوان شکل بالقوه انسجام دیدگاه‌های جهانی منجر می‌شود. این بسامد که با گزینه قواعد خاص نحوی انتخاب می‌شود، ممکن است به انتقال «روش خاص بررسی تجربه» کمک کند (هلیدی، ۱۹۷۱، ص ۳۴۷) و با بررسی بُعد دستور زبان به آن ارزش بخشد. از سوی دیگر، فرضیه‌های جنسیتی یا اظهارهای آزادگرانه می‌توانند در ساختار نحوی متون رمزگذاری شوند.

در فصل پنجم، «جنسیت و ساختار ایدئولوژی سوژه‌ها»، بر نقش خواننده در فرایند ساخت معنا تمرکز می‌شود؛ اینکه خواننده چگونه می‌تواند نقشی فعال و کمک‌کننده در تفسیرکردن منسجم متن داشته باشد. جنبه‌هایی مانند انسجام درونی یا انسجام بیرونی برای آن مفهومی آشکار می‌شوند که آن‌ها در فرایند ارتباطی نشان می‌دهند و از دو سوی متن (از سوی نویسنده و خواننده) به‌عنوان ویژگی‌های تفسیر به‌جای ویژگی‌های متون برای آن‌ها عمل می‌کنند. تمرکز اصلی بر نقش عملکردی ایدئولوژی این جنبه‌های زبانی است که شاید در ساخت سوژه‌ها وجود داشته باشد و بر هویت تأکید ویژه می‌شود. خوانندگان براساس دیدگاه جهانی خاص و با پذیرش الزام‌ها، برای خود متنی منسجم ایجاد می‌کنند. من نیز طرحی کشف کردم که خواننده را به انتخاب و خواندن پیوسته وادار می‌کند. در واقع، نویسندگان می‌توانند خوانندگان خود را با استفاده

از نشانه‌های متنی خاص موقعیت‌گذاری کنند، اما بدون همراهی خواننده هیچ موقعیت‌مداری‌ای وجود نخواهد داشت.

در فصل ششم، «میان‌متنیت، ایدئولوژی و روند تغییرات»، این موضوع‌ها بیشتر گسترش می‌یابند. بحث این بخش بر پایه آثار زاپیز و استیفان، به‌ویژه در کتاب‌های *داستان‌های پریان و هنر انهدام*<sup>۱</sup> (۱۹۸۳ الف، زاپیز) و *زبان و ایدئولوژی در قصه‌های کودکان*<sup>۲</sup> (۱۹۹۲، استیفان) است. نویسنده مطالعه حاضر از مفاهیم روابط میان‌متنیت آشکار و سازنده فرکلاف به‌عنوان چارچوبی برای بحث درباره حضور صریح متون قبلی در این نسخه استفاده کرده است؛ درحالی‌که بی‌تردید، انواع و مفاهیم روابط میان‌متنیت بسیار گسترده‌تر از آن‌هایی است که در این فصل به آن پرداخته‌ام. بررسی انواع موقعیت‌های میان‌متنیت از هدف من فراتر است؛ به صورتی که در بازگویی این داستان، بر پیش‌متن‌ها با هدف کشف وسعت ایدئولوژی‌های پیشین توجه دارم که با تغییر نیازهای اجتماعی مطابقت دارند و با طرح مسئله یا نپذیرفتن کامل آن، خوانندگان را از ناپایداری روابط اجتماعی آگاه می‌کنند. تمایل به تغییر شیوه متداول گفت‌وگوی متن‌ها در نسخه‌های پیشین یا پسین من را قادر کرد که توسعه مفهوم نقش‌های جنسیتی و سوگیری متداول در گفتمان روابط جنسیتی را بررسی کنم. علاوه بر این، به بحث درباره نقش افسانه‌ها و قصه‌های پریان در چشم‌انداز ایدئولوژی معاصر، یعنی سنجش میزان امتناع از سازوکارهای گفتمانی خاص می‌پردازم. همه افراد به این افسانه‌ها و قصه‌های پریان دسترسی دارند و نشان‌دهنده فرضیه‌ای است که در راستای ایجاد جهان اجتماعی جدید باید اجرا شود.

---

1. Fairy Tales and the Art of Subversion

2. Language and Ideology In Children's Fiction